

چاپ پنجم

پیشوایان صدیقین

عَلَّمَ اللَّهُ لِي مَا كُنْتُ أَعْلَمُ  
وَلَمْ يَكُنْ لِي كُفْرًا

امام زمان

آرزوی بشریت



حضرت آیت الله العظمی سید محمد تقی مدّری

خلاصه کتاب



# امام زمان

آرزوی بشریت

## حضرت مهدی، بقیة الله

بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ<sup>۱</sup>

«آنچه خداوند برای شما باقی گذارده (بقیه الله)، برایتان بهتر است اگر ایمان داشته باشید و من، پاسدار شما نیستم.»

امروزه مسلمانان در شرایط حساس و پر از چالش زندگی می‌کنند. از جمله آنها، چالش‌های مادی هستند که در برگیرنده زندگی مادی و سرزمین‌هایشان است و برخی دیگر، چالش‌های روحی و معنوی می‌باشند که ارزشها و ماهیتشان را فرامی‌گیرند.

همچنین ما، با خطر تهاجم فرهنگی ویرانگر غرب که از روشها و اندیشه‌ها را تهدید می‌کند، روبرو می‌باشیم. زیرا، ماهواره‌هایی که تعداد آنها از پانصد ماهواره تجاوز می‌کند، با پخش روزانه صدها هزار فیلم مبتذل، بی بند و باری، فساد و ابتذال را به ژرفای زندگی اجتماعی و فردی ما وارد کرده‌اند و به گونه‌ای که دیگر فرزندانمان از آن ما نیستند، بلکه قبل از هر چیز، فرزندان غرب گشته‌اند. زیرا غرب آنها را تربیت می‌کند و بر روح، عقل و اراده ایشان چیره می‌شود.

حال چگونه با این مشکلات مبارزه کنیم و به که پناه ببریم؟ آیا به آمریکا و روسیه و یا اروپا پناه جویم؟!

خداوند متعال به تمامی این پرسش‌ها چنین پاسخ می‌دهد، که «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ» «آنچه خداوند، برای شما باقی گذارده (بقیه الله) برایتان بهتر است.»

همانا او، امام زمان با مهدی منتظر عجل الله فرجه، می‌باشد. اوست پیشوای مردم زمین، و اگر وجود مبارک ایشان نبود، از این هنر آینه ساکنین خود را فرو می‌بلعید. و همه چیز را به ویرانه‌ای هولناک دگرگون می‌ساخت. خداوند متعال، ما را به پیروی از قرآن و اهل بیت این امر کرده است. چنانکه می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا»

اهل بیت به تنها به آنها کشتی نجات هستند. هر کسی با ایشان همراه انگردد، رهایی یافته و هر که روی برگرداند، نابود گشته است.

<sup>۱</sup>سوره هود، آیه ۸۶

همانگونه که ارتکاب گناه، پرده ای را میان بنده گنهکار و پروردگارش ایجاد می‌نماید با میان اولیاء خدا و دوستدارانشان نیز چنین حجاب را قرار می‌دهد.

حال می‌توان از رهگذر پایانی به نکات ذیل، حجاب‌های ایجاد شده میان مؤمنین و امامشان را از بین برد:

۱- دوری جستن از گناه و توبه کردن به بارگاه حق تعالی و عدم ناامیدی از رحمت الهی و نیز عدم سبک شمردن شأن اولیا خدا.

۲- افزایش بنیادهای تضمین کننده پایداری فکر و اندیشه؛ همچون ساختن مساجد و حسینیه ها و مدرسه‌های علمیه، زیرا، آنها چون ستونهای ساختمانی هستند که آن را پابرجا نگاه می‌دارند و نیز مانند دژی مستحکم می‌باشند که شهر را از گزند دشمنان ایمن می‌دارند.

۳- اهمیت به تربیت نیکو و درست فرزندان؛ چه، آن ضمانتی است برای استمرار دین در زندگی. آدمی مسئول تربیت فرزندان خویش در دنیا و آخرت است.

اگر درک نماییم که خداوند متعال انسان را می‌آفریند و روزی او را معین می‌سازد. در این جا بر پدر و مادر واجب می‌گردد که قبل از هر چیز، فرزندان خود را به آموختن قرآن و شناخت پیامبر و ائمه اطهار (ع) نزدیک سازند؛ تا بتوانند بدین وسیله سلامتی آنها را در برابر کجروی ها تضمین کنند.

در زمان غیبت، از ما خواسته شده است که توجه زیادی به امام زمان داشته باشیم؛ تا آنجا که در برخی از روایات بر این تأکید شده است که او را با لقب «بقیة الله» مخاطب قرار دهیم. شاید دلیل آن، این باشد که صد و بیست و چهار هزار پیامبر در گذشته نقش مقدس خود را به خوبی ایفا کرده اند و به مقام والایی دست یافته اند. همچنین پس از آنها، اوصیاء - که چندین برابر پیامبران بودند- آمدند و نقش آنها را نیز به پایان رسیده است. حال هیچ ریسمانی میان آسمان و زمین - بعد از قرآن باقی نمانده تا به آن چنگ زنیم، جز این امام بزرگوار. پس به این ریسمان بیاویزیم و بدان توجه نماییم و از او بخواهیم که وسیله و شفاعت کننده ما، در بارگاه حق تعالی باشد.

«و چگونه ممکن است شما کافر شوید، با اینکه آیات خدا بر شما خواننده می‌شود، و پیامبر او در میان شماست؟ او هر کس به خدا تمسک جوید و به راهی راست و هدایت شده است، و ای کسانی که ایمان آورده اید! آن گونه که حق تقوا و پر امیز کاری است، از خدا بپرهیزید. او از دنیا نروید، مگر اینکه مسلمان باشید.»

رسالت اسلامی - آخرین رسالت الهی همچون میوه هایی است که خداوند به انسان بخشیده است. اگر به درستی از همه آنها بهره بگیرد.

هرچند، جامعه‌ای که به برخی از سفارشات عمل می‌کند و برخی دیگر را رها می‌نماید، به خوشبختی کامل دست نمی‌یابد و اما، با این حال دچار نگون بختی مطلق هم نمی‌گردد.

### امام زمان، بزرگترین آرزوی بشریت

همانا، امروزه تمام امیدهایی که براساس چاره جوئیهای مقطعی بنا نهاده شده اند، سست و بیهوده به نظر می‌آیند. در این راستا، بسیار تلاش شده است تا انسان را با آموزشها و راهنماییهای سطحی اخلاقی از سقوط بازدارند؛ همچنین بوسیله سازمان‌هایی چون سازمان ملل متحد با شورای امنیت و دادگاه بین المللی لاهه بیشترین سعی خود را کردند تا از عملیات کشتار جمعی - به علت جنگهای جهانی و منطقه ای - جلوگیری نمایند ولی باشکستی سخت روبرو شدند

پس با وجود جامعه بین الملل، جنگ جهانی دوم در گرفت . همچنین در سایه سازمان ملل متحد، جنگهای نابود کننده منطقه ای شعله ور شدند و نیز با وجود شورای امنیت ابر قدرتی چون اتحاد جماهیر شوروی دو کشور مستقل مجارستان و چک اسلواکی را اشغال کرد. همچنین کشور مستقل لهستان را تهدید نمود. سپس کشور افغانستان - سومین کشور را به اشغال خود در آورد. باز هم در سایه شورای امنیت، ایالات متحده آمریکا به بسیاری از کشورها و سرزمینهای جهان تجاوز نمود.

### جهان در بیم نابودی

وجود این سازمانها و آن قوانین نمی‌تواند ما را از سرنگونی در پرتگاه مرگ باز دارد؛ زیرا جهان در هر دقیقه بیش از یک میلیون دلار برای سلاح های کشتار جمعی هزینه می‌کند.

با وجود سلاحهای شیمیایی که تنها ۱۰۰ میلیون تن از آنها کفایت می‌کند تا هر چه زوی زمین است، نابود گرداند، (با در نظر گرفتن اینکه دولتهای گوناگون جهان به خصوص دولتهای غربی، هزاران میلیون تن از این سلاحها را دارا می‌باشند. پس، بر این اساس بشریت با سرعتی دیوانه وار به سوی پرتگاه مرگ پیش می‌رود.

حال این پرسش سرنوشت ساز مطرح می‌گردد که : چه کسی انسان را از انسان می‌رهاند؟!

۱- ضرورت اعتقاد به وحی

۲- ایمان به تداوم وحی

## چگونه امید را در وجودمان پایه ریزی نماییم؟

ما باید از فلسفه وجود امام زمان، اندیشه مهمی را الهام بگیریم تا بنگریم آیا در عقیده ما به امام، آن آرزوی نهفته و کمبودی را که از آن رنج می‌بریم، می‌یابیم؟

پیامبران و فرستادگان الهی بر خلاف طاغوتیان، همیشه تلاش می‌نمایند تا بذر امید را در دل انسان زنده بپاشند و همواره به او تأکید می‌کنند که وی آفریده‌ای است با کرامت. اوست اشرف مخلوقات و نیز بزرگوار در نزد خداوند. و اینکه پروردگار انسان را به بهترین صورت آفریده است. این تفکر یکی از اساسی‌ترین بندهای رسالت پیامبران و فرستادگان الهی است. در حالیکه پایه ریزی ناامیدی و یأس از برجسته‌ترین نقشه‌ها و سیاستهای طاغوتیان می‌باشد.

حال چگونه می‌توانیم این امیدواری را در خود زنده نگاه داریم و از یأس دوری جوئیم.

یک مسلمان معتقد به وحی درک می‌نماید که فراسوی این ظواهر مادی و عوامل مؤثر در شرایط زندگی، یک نیروی غیبی وجود دارد که از روند امور براساس ظواهر جلوگیری می‌کند.

## نیاز ما به امیدواری

بنابراین ما به امید نیازمندیم. این امید، از ایمان به امام مهدی (عج) و نیز ایمان به اینکه هر آنچه پیرامون ما می‌گذرد از آگاهی و اشراف امام زمان دور نمی‌باشد، سرچشمه می‌گیرد. علاوه بر آن، شب قدری وجود دارد که در آن (روح) به همراه فرشتگان الهی فرود آمده و کارنامه اعمال هر یک از ما را بر امام عرضه می‌دارند. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: **(وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ)**<sup>۱</sup>. «بگو: عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند!» از این آیه اینگونه درمی‌یابیم که، امام بر اعمال ما - چه نیک و چه ناشایست - ناظر است؛ و بدون شک او از اعمال نیک، خشنود و از رفتار ناپسند آزرده خاطر می‌گردد.

این بخششها و الطاف الهی که هر لحظه شامل حال ما می‌گردند. من شخصاً عقیده استوار و ایمان عمیق دارم که، گره مشکلاتمان در سایه این اعتقادات حل خواهد شد. زیرا، عقده‌های روانی انسانی و هر آنچه از آن رنج می‌برد. در رأس آنها، یأس و ناامیدی - بوسیله ایمان به این ایده‌ها حل خواهد گردید، زیرا انسان آکنده از امید و آگاهی خواهد شد. هر که به این صفات دست یازد، به والاترین آرزوهای خود خواهد رسید. ان شاء الله!

<sup>۱</sup>سوره ی توبه، آیه ۱۰۵.

## روز موعود، آرزوی بشریت و توشه راه

هدف حقیقی و آرزوی نهایی، تنها طول عمر و جستجوی راههای خوشبختی و آرامش نیست. بلکه، باید از این هدفهای ثانوی عبور کرده و به سوی هدفی برتر و والاتر - به سوی آن پایانه جاوید و فراخ- زندگی ابدی در بهشت برین و برخورداری از خشنودی خداوند متعال، گام برداریم.

### امید بشریت

براین اساس، این پرسش مهم پیش می‌آید که، به راستی کدامین امید است که بشریت را به حرکت وا می‌دارد، و در حالیکه سایه شوم یأس و ناامیدی را پشت سر می‌گذارد به سمت جلو پیش می‌رود؟

از دیدگاه اسلامی اصیل، امید را می‌توان در این خلاصه نمود که، خداوند متعال با بنی آدم عهد و پیمانی راستین بسته که ناگسستنی است. براساس این پیمان باید مسیر انسان به سعادت حقیقی و استقرار عدل و داد میان انسانها ختم گردد.

این پیمان الهی را می‌توان آشکارا در تاریخ و دقیقاً در همه کتابها و رسالتهای آسمانی - به خصوص در مکتب اسلام و گفته‌های رسول آن حضرت محمد - یافت. تا آنجا که در آیه‌های قرآن و احادیث پیامبر اکرم و ائمه اطهار تأکید فراوان بر این حقیقت شده است. چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: (وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ) <sup>۱</sup> «ما می‌خواستیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.»

همچنین پیامبر اکرم را در حدیث معروف خویش می‌فرماید: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا اللَّيْلَةُ لَطَوَّلَ اللَّهُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِيُ اسْمَهُ اسْمِي وَ... يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» <sup>۲</sup> «اگر از عمر دنیا جز یک شب باقی نماند، خداوند آن شب را آن قدر طولانی می‌گرداند تا مردی از خاندان من حاکم جهان گردد. اسم او اسم من است و... زمین را از عدل و داد پر می‌سازد، همانگونه که از ظلم و جور پر شده است.»

<sup>۱</sup> سوره قصص، آیه ۵.

<sup>۲</sup> بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۴.

## سنت<sup>۱</sup> ظهور

رسول خدا می‌خواهد بواسطه این حدیث شریف بر سنت ظهور امام مهدی و تحقق عدالت الهی و نیز آکنده شدن زمین از عدل و داد، تأکید نماید. همه این موارد نشانگر سنت ثابتی هستند که، این سنت تغییر ناپذیر است و باید تحقق یابد؛ حتی اگر برای وقوع آن لازم باشد که در طبیعت جهان دگرگونی حاصل شود و این حقیقت بزرگ و تحقق آن امید نوید داده شده از سوی همه ادیان الهی و نیز همه امتهای و ملت‌ها دارد که بطور حتم خداوند متعال مهدی این امت را به ظهور خواهد رساند؛ حتی اگر لازم باشد در قوانین حاکم بر طبیعت دگرگونی ایجاد شود. زیرا سنت ظهور از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است، بلکه بزرگترین سنت است که نسبت به دیگر سنت‌های هستی، اهمیت بیشتری دارد.

## بشریت در انتظار

این احادیث به این معنا نیست که از عمر دنیا فقط یک روز باقی خواهد ماند، و سپس خداوند آن را طولانی می‌گرداند. بلکه، می‌خواهد این حادثه عظیم را بیان کند. زیرا، این حادثه عظیم حقیقتی است ثابت، که بشریت به خاطر آن آفریده شده است. چه، اینکه بشریت از هوسرانی طاغوتیان و حاکمان ظالم به تنگ آمده است و رنج‌ها، مصیبت‌ها و محنت‌های فراوانی را تحمل نموده است و بی‌صبرانه انتظار فرارسیدن این روز موعود را می‌کشد. روزی که انسانها در سایه آن، طعم حقیقی خوشبختی را می‌چشند. روزی که امام مهدی (عج) به ظهور می‌رسد و پس از او، عیسی بن مریم آشکار می‌گردد و به امام زمان اقتدا می‌نماید و پشت سر او نماز می‌گذارد؛ تا صاحبان ادیان و مذاهب آسمانی دیگر را به سوی ایمان آوردن به امام و پیروی از او سوق دهد و به دین اسلام که مجموعه همه ادیان است، گرایش یابند. در آن روز حضرت مهدی (عج) همه قومها و گروههای بشری با هر نوع گرایش و وابستگی دینی و قومی را، زیر پرچم توحید گردهم می‌آورد تا بر روی کره زمین دین واحدی حاکم گردد؛ دینی که پیامبر عظیم الشان اسلام آن را آورده و فرزندش امام مهدی (عج) آن را زنده ساخته است.

امروزه ما احساس می‌کنیم که بشریت در حرکت کنونی خود، به ازای هر گامی که پیش می‌رود، به همان اندازه گروهها، قومها و نژادهایش با همدلی، اتحاد و همبستگی به یکدیگر نزدیک می‌شوند. این دلیلی است بر اینکه، آنچه پیامبر گرامی اسلام پیرامون فرج در احادیث شریف خود تأکید کرده، حق راستین و آشکاری است که باید محقق گردد. پس مسیر بشریت بدون هیچ چون و چرایی به سوی آن روز موعود پیش می‌رود. ان شاء الله!

<sup>۱</sup> منظور از «سنت» آن قانونی است که خداوند مقرر فرموده و قابل تغییر و دگرگونی نیست. (مترجم)



## انتظار فرج نیکوترین اعمال والا

تاریخ شیعه تاریخی است آکنده از فداکاریهای بزرگ، از خود گذشتگیها، دردها، رنجها، شکنجه‌ها و زندانها. همان تاریخ امام حسین و امام موسی بن جعفر (ع) است. اما با وجود همه اینها خرد نشدیم و تسلیم یأس و ناامیدی نگشتیم. بلکه برای آشکار شدن حق و حقوق ضایع شده، هر چه درخشنده‌تر، استوارتر و نیرومندتر در برابر نیروی ویرانگر ایستادیم. همه این توانمندیها به وجود آن امید بزرگ که ما را در طول تاریخ به حرکت واداشته، باز می‌گردد. آن امید، انتظار فرج است، که در مورد آن پیامبر اکرم که اینگونه فرموده است: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ» «بهترین اعمال امت من، انتظار فرج است. ما هرچه بذر این فلسفه ایمانی راستین را در نسلهای پیاپی بکاریم، می‌توانیم به اهداف خواسته شده دست یابیم.

همانا موجودیت ما بر مجموعه‌ای از شالوده‌های قوی و معینی استوار است که از مهم‌ترین آن‌ها اندیشه ظهور امام مهدی (عج) می‌باشد. در اینجا می‌خواهم بگویم که در بین هزاران دین و مذهب و نیز هزاران اندیشه، نظریه فلسفه‌های گوناگون دیگر که در سراسر جهان پراکنده‌اند، دین و آیینی جز شیعه نیست که ارتباط میان انسان و آفریدگارش را ارتباطی مستمر و همیشگی بداند. زیرا، ما شیعیان عقیده داریم که رابطه میان انسان و آفریدگارش همچنان استمرار و ادامه دارد، و مانند دیگر مذاهب اسلامی به پایان پذیرفتن وحی ایمان نداریم، و این که بعد از درگذشت پیامبر این ارتباط و اتصال قطع می‌گردد و همچنین اینکه هیچ انسانی وجود ندارد که پیامبر نباشد ولی با خداوند ارتباط داشته باشد.

### راز توانمندی ما، در اعتقاد به امام مهدی (عج) نهفته است

اما شیعیان اعتقاد استوار و ایمان راسخ به وجود این انسان غیبی الهی دارند، انسانی که در شب قدر که از هزار ماه بهتر است. بر او روح اعظم نازل می‌گردد.

این روح اعظم، که برتر و والاتر از همه فرشتگان الهی همچون جبرئیل و میکائیل است، بر امام زمان (عج) نازل می‌گردد. این عقیده استوار، عزت و شرف ما شیعیان است؛ و در آن قدرت، استواری اعتقاد، سلاح جنگ علیه باطل و ایستادگی ما در برابر ستم پیشگان و مفسدان، نهفته است. حال اینکه ممکن نیست یک رزمنده سلاح خود را در میدان نبرد رها سازد، آیا درست است که ما شیعیان از عقیده، سلاح و قدرت همیشگی خود، دست برداریم؟

بنابراین، ما باید به حتی الامکان - ایمان و اعتقادمان به امام زمان را، در مبارزه طولانی خود با قدرتهای ظلم و ستم و سرکشی بکار گیریم. همچنین باید در کشمکشهای تمدنی، از ایمان به این امام و انتظار فرج او الهام بگیریم تا بتوانیم قضایای کنونی را که شاهد آن هستیم به قضیه تاریخی یا اعتقادی مرتبط سازیم.

### چگونه می توان پایه های رابطه با امام مهدی را محکم ساخت؟

در این مورد امام سجاد در دعای خود می فرماید: «وَأَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْجِبَهُمُ الْأَعْمَالُ السَّيِّئَةُ دُونَكَ» «و تو از بصیرت خلق پنهان نیستی جز آنکه آمال و آرزوهایی که به غیر تو دارند، حجاب آنها از دیدن جمالت گردیده است. پس خداوند از ما دور نیست ولی این ما هستیم که به خاطر ناپسندی اعمالمان از او دور هستیم

بنابراین، امام مهدی همراه ما می باشد. پس بر ماست که خویشتن را اصلاح نمائیم تا وجود او را احساس کنیم و پیوند خود را با او ژرفا دهیم. بلکه از شرف ملاقات و دیدار او در برخی از زمانها و مکانها بهره مند گردیم و این امر به اذن خداوند متعال امکان پذیر می باشد. اما چگونه می توانیم خویشتن را اصلاح نمائیم و پیوند و علاقه خود را به این امام افزایش دهیم؟

برای گام نهادن در این راه چند نکته را بر می شماریم. نکاتی که هر شخصی می تواند با یاری خداوند متعال - بدون آنکه با مشکلی روبرو گردد، از آنها بهره بگیرد. البته شرط لازم برای گام نهادن در این راه تصمیم گرفتن و داشتن اراده ایمانی است. این نکات عبارتند از:

۱- زیارت امام مهدی (عج) بعد از پایان نماز صبح؛ حتی با گفتن جمله ای چون: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ»

۲- دعا کردن برای امام زمان (عج) پس از ادای هر نماز. با استفاده از دعاهای معروف در این خصوص

۳- در همه حال و همه جا به یاد او باشیم و برای او دعا کنیم. زیرا، هر که او را یاد کند، امام نیز او را یاد می نماید و هر که وی را دعا کند، امام نیز او را دعا می کند.

۴- اختصاص دادن یکی از روزهای هفته به ویژه روز جمعه، برای خواندن دعاها و زیارتهای مخصوص امام مهدی (عج). خواندن دعاهایی چون دعای ندبه، دعای عهد و نیز زیارتهای ویژه این امام.

۵- شایسته است در زمان گرفتاری و مشکلات روزانه زندگی و نیز وقوع حوادث غیر منتظره‌ای که با آن روبرو می‌گردیم، به سوی بارگاه حق تعالی دعا کنیم و از او بخواهیم به برکت وجود این امام مشکلات ما را رفع نماید و نیازهای ما را برآورده سازد.

همه این نکات و مانند آن، نکات مثبتی هستند که سبب می‌گردند در حضور امام مهدی (عج) باشیم و با او رابطه صمیمی ایجاد کنیم. هرچه قدم به قدم پیش برویم، خواهیم دید که نورانیت شریف و پر برکت این امام ما را شیفته خود می‌گرداند و به سوی خود می‌کشد و ما را در زندگی به پیشرفت هدایت می‌کند، و روزی خواهد رسید که از ملاقات او بهره مند می‌گردیم و از فیض نور وجود مبارکش توشه می‌گیریم. بنابراین همانگونه که ما به وی سلام می‌دهیم و او را زیارت می‌کنیم و ...، او نیز در مقابل چنین می‌کند. اینگونه است که رابطه خود را با او شکل می‌دهیم و این رابطه تداوم خواهد داشت و رشد و تکامل خواهد یافت.

#### انتظار مفهومی است مکتبی - نهضتی

برخی تصور می‌کنند که مفهوم انتظار، مفهومی است ارتجاعی و فروبسته که ما را به سوی سکوت در برابر ستمکاران وا می‌دارد. در حالیکه عکس آن درست می‌باشد. اگر در تاریخ بنگریم، می‌یابیم که شیعه از آغاز تا به امروز و تا زمان ظهور، مردمانی انقلابی، اهل نهضت و مقاومت مکتبی در برابر ستم زورگویان بوده، هستند و خواهند بود و همه اینها به اعتقاد ایشان به امام مهدی (عج) و نیز مفهوم مکتبی مثبت انتظار باز می‌گردد.

پس این اعتقاد به انسان امید و پویایی را می‌بخشد. زیرا، سنتی الهی وجود دارد که نشان می‌دهد خداوند هر که را مظلوم و با همراه حق باشد، یاری می‌نماید و این سنت در متجلی‌ترین شکل آن در امام مهدی (عج) تحقق می‌یابد. زیرا، اوست بنده صالح و ولی خداوند متعال و اوست همراه حق و نیز مظلوم، صابر و ناگزیر (مضطرب)... و هر انسانی که این سنت الهی و این صفات - به هر میزان - در وجودش تحقق می‌یابد، خداوند متعال او را به همان میزان یاری می‌نماید.

در اینجا آنچه بر این امر دلالت می‌نماید این است که پیامبر اکرم خود اولین کسی بود که ظهور امام مهدی را به مسلمانان مژده داد، تا آنجا که بیش از ۵۱ روایت از رسول خدا فقط در کتب علمای اهل سنت نقل شده که در مورد امام مهدی (عج) سخن می‌گویند و همانگونه که علمای شیعه قبل از ولادت این امام کتابهایی را درباره او تألیف کرده‌اند، یکی از علمای اهل سنت نیز کتاب ویژه‌ای را در مورد این امام در سال ۱۲۷ ه. ق. قبل از ولادت

امام مهدی (عج) - نگاشته است. نیز علاوه بر شیعیان، امروزه بسیاری از علمای اهل سنت در کتابهای خود، اعتقاد به امام مهدی (عج) را جزئی از عقاید اسلامی ثابت یاد می‌کنند.

ایمان به امام زمان (عج) مکمل ساختار اعتقادی شیعه می‌باشد. همچنانکه اگر هواپیمایی در حال پرواز باشد و در یکی از بالها و یا موتورهای خود با مشکل یا اختلالی مواجه می‌گردد، نمی‌تواند با نادیده گرفتن آن مشکل به پرواز خود ادامه دهد؛ و یا شخصی که به زکات، خمس و حج ایمان دارد ولی به نماز ایمان ندارد، کافر به شمار می‌آید؛ (زیرا فاقد یکی از اجزاء اصلی منظومه ایمان است ...) همچنین کسی که به امام مهدی (عج) ایمان نداشته باشد، مشکل بزرگ و اختلال ژرفی در یکی از ارکان اساسی ایمان خود دارد و به همین خاطر خداوند او را یاری نمی‌نماید.

پس ایمان به امام زمان و ایمان به اینکه خداوند، مظلوم و قیام کننده بر حق که دیگران را به سوی خدا فرا می‌خواند - را یاری می‌نماید، ایمانی است که نهضت را در میان مسلمانان بر می‌انگیزد. همانگونه که می‌بینیم شیعه‌های مکتبی در جنوب لبنان، صهیونیست‌ها را از سرزمینهای خود رانده و هنوز با روحیه فداکاری و امید به پیروزی و تکیه بر کلمه «یا مهدی ادرکنی» در برابر دشمن ایستادگی می‌کنند.

همین ایمان به صاحب الزمان (عج) است که این پویایی و امید به پیروزی و تلاش برای دستیابی به آن را به ایشان عطا کرده است.

مسأله حکمرانی و خلافت خدا بر روی زمین در قرآن کریم فقط به امام مهدی (عج) اختصاص ندارد، بلکه به دیگران نیز تعمیم داده می‌شود. زیرا این سنت الهی هنگامیکه حضرت موسی بن عمران، بنی اسرائیل را نجات داد، برای آنان به وقوع پیوست؛ و نیز برای پیامبر اکرم آه و مسلمانان آن دوره تحقق یافت؛ و ان شاء الله در زمان امام مهدی (عج) نیز تحقیق خواهد یافت. پس زمین کاملاً آزاد نخواهد گشت، مگر پس از قیام امام و پیشوای ما.

### فواید عصر غیبت کبری

باید این را بدانیم که امام مهدی (عج) در میان ما چون خورشیدی است در پس ابرها. ولی، با وجود ابرهای متراکم باید نور، حرارت و گرمای او به ما برسد. پس سرچشمه او علی رغم ابرها و پرده‌ها، باقی و مستمر است. دل انسان مؤمن نیز به خاطر وجود امام زمان (عج) زنده است و زندگی می‌کند. زیرا، امام خورشید پنهان دل مؤمن است.

در اینجا پرسشی مطرح می‌گردد که در زمان غیبت کبری چه فایده‌ها و منافعی وجود دارند که می‌توانیم به آنها دست یابیم و از آنها بهره بجوییم؟

برای پاسخگویی به این پرسش ابتدا باید مقدمه‌ای را بیان نماییم. در زمان پس از ظهور امام مهدی (عج) سودها و منافع برای همه انسانها عمومیت پیدا می‌کنند. بلکه برای هر جا نداری که روی زمین زندگی می‌کند؛ حتی فرشتگان، جن‌ها و هر موجود عاقلی شامل این عمومیت می‌گردند. در بعضی از روایات آمده است که به ابلیس - لعنت خدا بر او باد! - تا روز وقت معلوم مهلت داده شده است و روز وقت معلوم به روز ظهور و خروج امام مهدی (عج) تفسیر شده است. زیرا، ابلیس مدت مهلت خود را از خدا تا روز قیامت خواسته است، ولی خداوند تبارک و تعالی در این مورد پاسخی نداده و همانا او را تا روز معین همانطور که روایات می‌گویند. که همان روز ظهور امام زمان است، مهلت داده است. پس در آن روز موعود ابلیس و همه شیاطین زمین، سرکوب می‌گردند و آنجاست که انسان و همه هستی از خیر و خوشبختی بهره مند می‌گردند.

پس در زمان غیبت کبری و یا عصر انتظار، فایده‌های روحی و معنوی وجود دارد که آنها را از اعتقادمان به امام مهدی (عج) الهام می‌گیریم و همانا این، خلاصه فلسفه انتظاری است که ما در زمان غیبت با آن زندگی می‌کنیم. حال می‌توانیم این سود معنوی و فایده روحی را در سه امر اساسی خلاصه نماییم:

۱- فایده نشأت گرفته از نفس اعتقادمان به امام زمان (عج).

۲- محبت و دوستی ما نسبت به امام مهدی (عج).

۳- یاری رساندن او به ما در مواقع سختی و زمانهای دشواری.

### راه بهره جویی از وجود امام زمان (عج)

پرسشی که به ذهن می‌رسد این است که، چگونه می‌توان از نور این آفتاب که ابرهای سیاه روزگار او را پوشانده‌اند، استفاده نمود؟

پاسخ این پرسش را در نکات ذیل می‌جوئیم:

## ۱- انتظار فرج

سخن درباره این انتظار بسیار طولانی و متنوع است. ولی برای اینکه مفهوم آن را آشکار سازیم، مثالی را می آوریم. هنگامیکه شخصی انتظار مهمان عزیزی را می کشد، حال و وضعیت او دگرگون می گردد و در چهره اش نشانه های شوق نمایان می شود. می بینیم که هر لحظه انتظار ورود مهمانش را می کشد و پس از آنکه هرچه برای مهمانی در منزلش داشته از فرش و مکان مناسب گرفته تا غذا و نوشیدنی لذیذ را آماده ساخت، چشم به راه می ماند. پس همه این امور در کنار امور معنوی که در دل انسان می گذرد، بازتاب معنای انتظار می باشد.

اگر همه این آمادگیها فقط برای استقبال از یک دوست معمولی است، پس حال و وضعیت ما نسبت به امام معصومی که نجات دهنده بشریت رنج دیده از دردها، رنجا و غم هایش می باشد، چگونه است؟! آیا دلها و روحها قبل از بدنها انتظار او را نمی کشند؟

همانا زمان ظهور امری است غیبی که از ما و از خود امام پنهان است و هیچ کس جز خداوند متعال به آن آگاهی ندارد ما نمی دانیم که آیا این زمان پس از یک ماه، یک سال و یا شاید قرنها به وقوع می پیوندد یا خیر، همانطور که در بسیاری از روایات تأکید شده است، تنها خداوند بزرگ به آن آگاه است. بنابراین مؤمن منتظر، باید بطور مداوم برای تعجیل ظهور این امام دعا نماید. این دعا نباید تنها زبانی باشد، بلکه باید از صمیم و ژرفای دل مشتاق برای ظهور فرج برخیزد تا آنجا که در اعمال و رفتار دعا کننده تجسم یابد و به واسطه آن راست بودن دعا و شوق او برای ظهور امام ثابت گردد. خداوند متعال می فرماید: (دُعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ) «مرا بخوانید تا دعای شما را بپذیرم.» هرگز مؤمن عمل کننده نباید دعای خویش را کوچک شمارد و بگوید که دعای من چه ارزشی دارد؟ زیرا دعا درباره تعجیل ظهور امام و وقوع فرج مهم و با ارزش است.

خالق هستی، بندگان را به سوی دعا کردن و پافشاری در طلب چیزی فرا می خواند؛ تا آنجا که می فرماید: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» «پروردگار شما گفته است: مرا بخوانید تا دعای شما را بپذیرم. کسانی که از عبادت من تکبر می ورزند به زودی با ذلت وارد دوزخ می شوند.»

و در جای دیگر می فرماید: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» «و هنگامی که بندگان من، از تو درباره من سؤال کنند، بگو: من نزدیکم؛ دعای دعا کننده را، به هنگامیکه مرا می خواند، پاسخ می گویم. پس باید دعوت مرا بپذیرند، و به من ایمان بیاورند، تا راه یابند و به مقصد برسند.»

پس خداوند تبارک و تعالی به دعای بنده‌ی مؤمن خویش که در عبادت و دعای خود خالص عمل می‌کند، پاسخ می‌دهد. زیرا اوست که پافشاری اصرار کنندگان را دوست می‌دارد. همچنین نباید هیچ یک از ما پس از پایان هر نماز، دعا نمودن برای تعجیل ظهور امام (عج) را فراموش نماید؛ و این باید روش و برنامه‌ای باشد برای هر مؤمنی که در دوستی اهل بیت عصمت و طهارت راستین است و همانا دعای فرج در زمان انتظار سبب نزدیکی فرج می‌گردد.

## ۲- تقویت روحیه انسان مؤمن.

موضوع بعدی به فایده معنوی و تقویت روحیه مؤمن باز می‌گردد. چه اینکه نفس ایمان و اعتقاد به وجود و حضور امام و در این جهان علی رغم عدم شناخت شخص امام، در نزد مؤمنین امید و بلندپروازی را می‌آفریند. مشکلات و سختیها را بر آنها آسان می‌گرداند و دردها و غمها را از میان می‌برد. بنابراین مؤمنین راستین شکست معنوی را در نبرد با اهل باطل، کفر و شرک نمی‌شناسند.

آری، ممکن است که مؤمنین در میدان نبرد از نظر نظامی شکست بخورند ولی هرگز این شکست از معنویت و روحیه‌های آنها نمی‌کاهد. زیرا، می‌دانند که تا پایان کار پیروزی از آن اهل ظلم و ستم نمی‌باشد و اینکه در این جهان امامی وجود دارد که باید ظهور یابد و انتقام همه مظلومین را در طول تاریخ جنگ و جهاد در راه پیروزی کلمه الله، از ستمکاران بستاند.

## ۳- برکت دعای امام (عج) برای پیروانش

همانگونه که ما برای فرج و ظهور امام (عج) دعا می‌نماییم و از خدا می‌خواهیم که او را یاری رساند و رهبر، راهنما و یاری دهنده او باشد؛ او نیز برای امت، دوستداران و محبانانش دعا می‌نماید. شاید بیشترین نعمتهایی که شامل حال ما می‌گردند. اما وجود آنها را احساس نمی‌کنیم - از برکت دعای این امام برای ما باشد. همچنین شاید وقوع بسیاری از حوادث ناگوار که در علم الهی برای ما مقدر شده‌اند، به برکت دعای این امام بداء حاصل شود و در نتیجه این حوادث تحقق نیابند و یا از شدت و سنگینی آنها کاسته گردد.

## ۴- اجر و پاداش الهی

خداوند تبارک و تعالی پاداش بسیاری را به خاطر استواری در اعتقاد به امام مهدی (عج) و دعای فراوان برای ظهور و وقوع فرج این امام، نصیب ما می‌گرداند. زیرا، همانطور که در حدیث شریف آمده است: «أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ» «بهترین اعمال نزد امت من انتظار فرج است.» همچنین: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ»

«بهترین عبادتها انتظار - فرج است. اگر این انتظار فرج وجود نداشت، هر آینه مؤمنین از جهاد و عمل در راه اسلام و پرآوازه کردن دین اسلام ناامید می‌گشتند و در هنگام وارد آمدن سختیها، مصیبت‌ها، رنجهای پی در پی و دردها دچار سرخوردگی می‌شدند؛ بلکه اگر انتظار فرج نبود، هرگز وارد میدانهای نبرد و جهاد در راه خدا نمی‌شدند و هیچگاه مال و نفس خویش را در این راه فدا نمی‌نمودند.

شخصی که ایمان و اعتقاد به امام مهدی (عج) و انتظار ظهور او و نیز وقوع فرج دارد، هرگز نباید سستی و تنبلی خود را توجیه نماید و ادعا کند که جهاد و عمل هیچ فایده‌ای ندارند. بلکه، هر تلاشی که یک منتظر واقعی در راه خداوند متعال انجام می‌دهد، چون جوانه سبزی است که آن را در مسیر ظهور می‌نشانند تا به این صورت از امام خود استقبال نماید. امامی که خداوند به واسطه او زمین را همانگونه که از ظلم و ستم پر شده است، آکنده از عدل و داد می‌سازد و این همواره حقیقتی است ثابت.

اگر ما همه مجاهدین و مبارزین در راه اسلام و همه زمینه‌های خیر و نیکی را در نظر بگیریم، خواهیم دید که همه آنها دوستداران امام هستند و انتظار ظهور و فرج او را می‌کشند و همه این موارد به دل‌های پاک، با ایمان و امیدوار آن باز می‌گردد.

در اینجا دوباره به این امر باز می‌گردیم که همانا نفس انتظار فرج پویایی، نشاط و امیدواری را در وجود مؤمن می‌آفریند و او را به سوی کار مستمر و وارد شدن به دریای عمل و جهاد تشویق می‌نماید. می‌بینیم اگر ثروتی دارد، آن را در کارهای خیر انفاق می‌نماید؛ یا اگر انسان نیرومندی است، تمام قوا و نیروی خود را در این راه بکار می‌گیرد و یا اگر اهل فرهنگ، دانش، ادب و هنر می‌باشد، از اندیشه و استعداد خود در این مسیر استفاده می‌نماید. بدین سان، انتظار فرج اولین موردی است که از آن به عنوان فایده معنوی از فایده‌های عصر غیبت کبری بهره می‌جوییم.

اما مورد دوم همان دوستی و محبت ما نسبت به امام مهدی (عج) است. انسانی که به فلسفه غیبت ایمان دارد و به وجود امام و اینکه او ناظر بر اعمال، رفتار و چگونگی معاشرت با اجتماع می‌باشد، یقین دارد؛ همانا ارتباط قلبی و روحی محکمی با امام خود برقرار ساخته است. یا به عبارتی دیگر شب و روز خود را در حالی سپری می‌نماید که در دوستی امام و رهبر خویش ذوب گشته است. رهبری که روزگار او را غایب (پنهان ساخته و به همین خاطر انسان مؤمن از دیدار امامش محروم گشته است.



ما شیعیان مؤمن، امام مهدی (عج) را نمونه والایی برای خود می‌دانیم. و چون این امام از ما پنهان و غایب است، پس در زمان غیبت باید به نمایندگان شرعی و نایبان او که علما، فقها و مراجع عظام هستند، مراجعه نماییم. از آنها پیروی و تقلید کنیم و به سفارشات آنها عمل نماییم.

پس همانطور که اطاعت از امام و پیروی از او واجب است، اطاعت از وکیل یا نایب او تا زمانی که در راه راست و راه امام گام بر می‌دارد نیز واجب می‌باشد و اگر گاهی دچار کوچکترین انحرافی گردید باید عادل‌تر و با تقواتر از او را برای تقلید انتخاب نماییم.

بنابراین امام زمان (عج) معیاری برای همه شیعیان است و اعتقاد به این امام، سازنده اندیشه شیعه می‌باشد و آن را از پویایی، استقامت و استواری پربار می‌سازد. به همین خاطر در تاریخ شیعه هرگز دیده نشده است که مرجعی به خاطر نادانی خویش از مسیر راست منحرف شده باشد، یا دست نشانده بیگانگان گردد و یا به دین و ملت خویش خیانت کرده باشد؛ زیرا این امت مؤمن به همراه مهدی خود است که هر آینه از مراجع و راه و روش آنها در حین انجام تکالیف شرعی خود مراقبت می‌نمایند، زیرا کوچکترین انحرافی از مسیر صحیح خود، آنها را از اعتماد و اطمینان مؤمنین دور خواهد ساخت. همچنین ارتباط شیعیان با مراجع خود، هیچگاه ارتباطی عاطفی نبوده، بلکه ارتباط ارزشها و مبانی و نیز ارتباط نمایندگی از سوی امام غایبشان - که الگوی اول و آخر و نمونه راستین برای آنها می‌باشد. بوده است.

### فایده‌های حقیقی

در همه این موارد ذکر شده، منافع و فایده‌های پنهانی دیگری وجود دارند که تنها اهل فضل و عرفان آنها را احساس می‌نمایند.

چه بسیار شرایط سخت و دشواری پیش آمده که شیعیان، یا مسلمانان و یا شاید همه بشریت دچار آن گشته‌اند، ولی به خاطر دعا، منزلت و شأن امام مهدی (عج) نزد خداوند بوده که از آن شرایط سخت و هولناک نجات یافته‌اند و همه اینها را تنها اهل بصیرت و عرفان می‌توانند درک نمایند. اینک همه ما بر سر سفره فضل امام زمان نشستیم. اوست که به اذن خداوند متعال بر همه اوضاع زمین مسلط می‌باشد. به همین خاطر ما باید با توجه به این امر، به نکات پیش رو عمل نماییم:

## ۱- تغییر رفتار

بیاییم و از هم اکنون با خدای خود پیمان ببندیم که، رفتار و منش خود را تغییر خواهیم داد. شاید بسیاری از ما فراموش می‌کنیم و یا نمی‌دانیم که امام - براساس روایات فراوانی که بر این امر تأکید می‌نمایند. در هر شبانه روز بر رفتار و کردار ما آگاهی می‌یابد. چنانکه کار نیکویی از ما سر بزند، او را خشنود می‌سازد و اگر عمل زشت و ناپسندی انجام دهیم، باعث رنجش او می‌گردد. اگر می‌خواهیم این خشنودی و آن رنجش را درک نماییم، باید به احساسات خود هنگامیکه فرزندانمان به ما بدی می‌کنند، باز گردیم. در آنجاست که می‌توانیم احساسات امام خود را نسبت به شیعیانش که ادعای دوستی او را می‌نمایند ولی با گناهان، رفتار ناپسند و سستی‌هایشان او را آزرده خاطر می‌سازند، درک نماییم.

بنابراین رفتارمان باید همچون رفتار منتظرین حقیقی امام باشد و باید حقیقت انتظار را نشان دهیم. پس بیاییم و نفس، اخلاق، رفتار و تعامل خود با دیگر مسلمانان را اصلاح نماییم و آن را با روح انتظار هماهنگ سازیم.

## ۲- آمادگی روحی و جسمی

باید همیشه آمادگی روحی و جسمی داشته باشیم. زیرا، هیچکس از زمان ظهور امام (عج) - همانطور که گفته شد. آگاه نیست. در اینجا پی به این راز می‌بریم که چرا بعضی از علما و مراجع، شمشیرهای خود را زیر بالشهای خود قرار می‌دهند. زیرا می‌خواهند در هنگام ظهور موعود آماده باشند و شمشیر در اینجا چیزی جز نماد آمادگی جسمانی نیست.

بنابراین باید همیشه آمادگی جنگ آوری را که از امور ضروری برای شیعیان است. داشته باشیم. پس بر یک شیعه واجب است که آماده باش، آموزش دیده، فعال و آماده فداکاری در هر زمان باشد. علاوه بر آن باید آمادگی اخلاقی و تزکیه نفس را نیز به همراه داشته باشد. زیرا امام مهدی (عج) یارانی پاک و مخلص می‌خواهد. پس باید همه این امور را در وجود خود پایه ریزی نماییم و در سرشت و اخلاق خویش باز آفرینیم.

## ۳- بشارت دادن به ظهور امام

بیاییم و با بیان حقیقت انتظار و فلسفه آن، ظهور امام را بشارت دهیم و به فرزندانمان امام زمان را بشناسانیم و به آنها فلسفه غیبت و فایده‌های آن را براساس گنجایش ذهنشان بیاموزیم. مفاهیم را برای آنها بگسترانیم تا به این عقیده آگاهی یابند و در سایه این عقیده گام به گام پرورش یابند. زیرا شاید عصر ظهور، در زمان آنها باشد. و همه این‌ها - همانطور که قبلاً گفته شد. در صورتی امکان پذیر خواهند بود که از دو امر اساسی پیروی نماییم:

۱- دعا نمودن برای تعجیل ظهور امام مهدی (عج).

۲- فراگیری حقیقت امام و فلسفه انتظار.

شاید فراگرفتن این دو امر برای تغییر اوضاع مسلمین کافی باشد تا آنها را هر چه بیشتر به امامان و ارزشهایی که به خاطر آنها مجاهدت کرده‌اند، نزدیک سازد و نیز اینکه از برنامه‌های ائمه اطهار پیروی نمایند و همچنین آثار علما و مراجع را که نمایندگان ائمه می‌باشند، پیش رو قرار دهند تا به این وسیله مسلمانان به نیروی بازدارنده‌ای چون دژهای آهنین تبدیل گردند.

### شالوده‌های ولایت الهی

برای هیچ بشری سزاوار نیست که خداوند، کتاب آسمانی و حکم و نبوت به او دهد سپس او به مردم بگوید: غیر از خدا، مرا پرستش کنید. بلکه سزاوار مقام او، این است که بگوید: مردمی الهی باشید، آنگونه که کتاب خدا را می‌آموزید و درس می‌خواندید و و نه اینکه به شما دستور دهد که فرشتگان و پیامبران را، پروردگار خود انتخاب کنید. آیا شما را، پس از آنکه مسلمان شدید، به کفر دعوت می‌کند؟! و هنگامی را که خداوند، از پیامبران پیمان مؤکد گرفت، که هرگاه کتاب و دانش به شما دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می‌کند، به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید. سپس به آنها گفت: آیا به این موضوع، اقرار دارید؟ و بر آن، پیمان مؤکد بستید؟ گفتند: اقرار داریم. خداوند به آنها گفت: پس گواه باشید؛ و من نیز با شما از گواهانم پس کسی که بعد از این، روی گرداند فاسق است و آیا آنها غیر از آیین خدا می‌طلبند؟! و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، از روی اختیار یا از روی اجبار، در برابر او تسلیمند؛ و همه به سوی او باز گردانده می‌شوند.»

تردیدی وجود ندارد که دین خدا (دین اسلام همچون نعمتها و برکاتش که بر همه بندگان نازل می‌گردد، دینی است شامل و عام و اینکه به شرایط زمانی یا مکانی خاصی وابسته نمی‌باشد. بنابراین به هیچ وجه دین خدا به نظام سیاسی حاکم، حتی اگر غیر دینی باشد، ارتباطی ندارد. پس بر انسان واجب است که آموزه‌های دین را در شرایط و اوضاع گوناگون و بر حسب توانایی و امکان، به جای آورد.

این حقیقت به معنای نیازمند بودن دین به نظام سیاسی نیست. بلکه عکس آن درست می‌باشد. چه اینکه بیشترین امری که دین به آن پرداخته، نظام سیاسی است که خداوند آن را برای مردم تشریح نموده است. تکیه گاه و خاستگاه این نظام از ولایت الهی گرفته شده است. ولایتی که خداوند آن را نازل نموده و پیش از آنکه خلق را بیافریند آن را مشخص کرده است.

خداوند تبارک و تعالی در آغاز جانشینی - پدرمان حضرت آدم را در زمین قرار داد و سپس انسانها را آفرید. انسان‌هایی را که پیش از این، در عالم ذر آفریده بود. سپس صد و بیست و چهار هزار پیامبر را فرستاد و ایشان را به واسطه اسباط و اوصیاء و امامان یاری رساند تا جانشینان و امامانی باشند تا به اذن خداوند از ایشان اطاعت شود.

در این زمینه آیه‌ای وجود دارد که آشکارتر از آن را در بیان این مطلب نمی‌یابیم. خداوند می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ» «ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای اینکه به فرمان خدا، از وی اطاعت شود.»

### دو سفارش الهی

در این زمینه خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ»<sup>۱</sup>. «خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانتها را به صاحبانش بدهید؛ و هنگامیکه میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید.» این دو سفارش بزرگ الهی برای انسانی است که خداوند متعال برای او دو چشم و یک زبان و دو لب قرار داده و او را به خیر و شر هدایت فرموده است. هیچکس داناتر از او نسبت به این انسان و هر آنچه در دل پنهان می‌دارد و آنچه در ذهنش از اندیشه‌ها می‌گذرد و آنچه در نفسش از عواطف و احساسات او را به هیجان می‌آورد، نمی‌باشد.

این دو سفارش - همانطور که از آیه شریفه آشکار است به عبارتنداز:

۱- رساندن امانتها به اهلش، یعنی به صاحبانش؛ و این همان موضوع امانت می‌باشد.

۲- قضاوت میان مردم باید براساس عدالت باشد؛ سپس موضوع در اینجا به عدالت باز می‌گردد.

### چگونه جامعه امانت و عدالت بوجود آوریم؟

پرسشی که در اینجا پیش می‌آید، این است که: از چه راهی می‌توان این دو سفارش الهی را در زندگی خویش عملی‌سازیم؟ یا به عبارت دیگر، چگونه جامعه امانتدار و عدالت‌گستر را بر روی این زمین بنا سازیم و به تحقق برسانیم؟

<sup>۱</sup> سوره‌ی نساء، آیه ۵۸.

در پاسخ باید گفت: این امر ناممکن نمی‌باشد و می‌توانیم از رهگذر این آیه به آن دست یابیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»<sup>۱</sup> «برای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را، و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالامر را.»

پس برای اینکه جامعه عدالت گستر و باکرامتی را به تحقق برسانیم، ناگزیر باید در وجودمان فضیلت اطاعت از خدا و هر که را به عنوان پیامبر مبعوث گردانیده و هر کس را که پس از پیامبر، امام قرار داده و یا کسی که امام او را به عنوان ولی امر، جانشین ساخته است، پیروانیم. این همان راهی است که بدون آن عدالت تحقق نمی‌یابد و وفای به عهد امانت نمی‌گردد. شاید بزرگترین مشکلی که بشریت، در گذشته و اکنون و شاید در آینده از آن رنج برده و می‌برد، همان گمراهی بشریت از این راه است. زیرا، همه سخن از عدالت می‌گویند و آرزوی آن را دارند، و اگر به تمام قوانین بنگریم، می‌بینیم که با نام عدالت حکم می‌کنند و در می‌یابیم که این عدالت مقدمه‌ای است درخشنده، برای همه قانونهای اساسی موجود در گوشه و کنار جهان؛ و تمامی این قوانین اصل عدالت را، محور و سند خود می‌دانند. اما برآستی عدالت کجاست؟!

مادام بشریت، در راه رسیدن به آن در گمراهی به سر می‌برد، هرگز نمی‌تواند به آن دست یابد؛ اگرچه گاهی وقتها در برخورد با هواها و شهوات نفسانی، طعم تلخ آن را خواهد چشید.

## راه عدالت

بنابراین ناگزیر باید، به جستجوی راه عدالت در نزد خدا و در گفته‌های پیامبران و فرستادگان او و همچنین ائمه و اولیاء پرداخت؛ و این همان مفهوم اطاعت می‌باشد. اطاعت خدا از گذر پیاده نمودن آنچه که خدا در کتاب عزیزش، بدان امر کرده و از آن نهی فرموده است؛ همچنین اطاعت از رهگذر اطاعت از پیامبرش و نیز اطاعت از کسانی که آنها را ائمه مردم و اولیای امور قرار داد. پس زنجیره اطاعت از قاعده آن، که در اطاعت از ولی امر نمایان است تا اوج آن، که همان اطاعت از خداوند متعال است، پی در پی و پیوسته می‌باشد.

بنابراین اطاعت از ولی امر، به معنای اطاعت از امام معصوم که در دوران ما، امام مهدی (عج) است. می‌باشد؛ و اطاعت از امام زمان (عج) به معنای اطاعت از رسول اکرم که گونه‌ای از اطاعت خداوند سبحان به شمار می‌آید، می‌باشد؛ علاوه بر همه اینها، اطاعت مستقیم از خالق یکتا که به معنای پیاده نمودن اوامر و نواهی می‌باشد که در کتاب عزیزش آنها را آشکارا بیان فرموده است.

<sup>۱</sup>سوره‌ی نساء، آیه ۵۹.

## معیار ولی امر

شاید پرسشی که در اینجا پیش می‌آید، آن است که، آیا هر کسی که امور برای او رام گشت و در رسیدن به قدرت و رهبری امت، شانس او را یاری نمود، ولی امر می‌گردد؟

در پاسخ باید گفت: بدون شک چنین نیست. زیرا هرکس که با هر وسیله‌ای بر مسند قدرت بنشیند، ولی امر امت نمی‌گردد. بلکه باید ولی امر حقیقی کسی باشد که، از خط رسالت و برنامه‌های آن به اندازه سرسوزن، نلغزد و منحرف نگردد. باید زندگی او بازتابی از برنامه‌های خدا و پیامبر باشد؛ همچنین نباید گفته‌هایش با فرموده‌های خداوند متعال که در آنها تغییر و تبدیل راه نمی‌یابد. تناقض داشته باشد. و از خدا اختلاف و تبدیل به دور است: «وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»<sup>۱</sup> و هرگز برای سنت الهی تغییر و تبدیلی نخواهی یافت.

بنابراین، در باور انسان نمی‌گنجد که امر خدا، در اطاعت از شخصی تجسم یابد که، شراب می‌خورد؛ ظلم می‌نماید و به ناحق خون‌ها می‌ریزد و نفسهای پاک را به قتل می‌رساند؛ زیرا رسالت‌های آسمانی دعوت به تحقق عدل و داد می‌نمایند.

پس هرگز نمی‌توان این دو را از این حاکم ظالم که در حق امت خود ظلم و ستم روا می‌دارد و با صفات فسق و فجور توصیف می‌گردد، انتظار داشت.

همانا ولی امری که امت باید از او اطاعت و پیروی نماید، همان کسی است که ارزشهای آسمانی و مفاهیم رسالت و برنامه‌های مبین آن، در اخلاق، رفتار، روش، منش، همه سیرت او تجسم یافته‌اند.

### اهل بیت خود، اولوالامر می‌باشند

اگر تاریخ را ورق بزنیم و در آن به دنبال اولیای امری که این صفات در ایشان نمایان باشد، جستجو کنیم اشخاصی که نشانه آشکار قرآن کریم بودند، موجودیت آنان جزئی از موجودیت رسول اکرم (ص) در اخلاق و سیرت و دانش گشته بود، چون او زیسته و چون او در گذشته بودند، هرگز از راه و برنامه او روی برنگردانده بودند، کسی جز آل‌بیت رسول اکرم (ص) را نمی‌یابیم.

همین ایشان، اولیای امر حقیقی هستند که قرآن کریم بر ولایت آنان گواهی داده است، پس هر مدح و ثنایی در قرآن از برای ایشان می‌باشد. زیرا، «إِيشَانِ خَشْمِ خُودِ رَا فُرُو مِی‌بُرِنْدِ، (وَأَلْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ).

<sup>۱</sup>سوره احزاب، آیه ۶۲. سوره فتح، آیه ۲۳.

«و از خطای مردم در می‌گذرند» (وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ).

«نماز را به پا می‌دارند» (وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ).

«و زکات می‌دهند» (وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ).

«از رکوع کنندگان و سجده آوران هستند، (الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ).

در پنهان و آشکار انفاق می‌نمایند»، و در توانگری و تنگدستی، خدای خود را سپاس می‌گویند... و دهها بلکه صدها خوی و فضیلتی که قرآن به آراستن خود به آنها سفارش می‌کند و بر پیروی عملی و گفتاری از آنها تشویق می‌نماید. بنابراین، اهل بیت پیامبر در زندگی خویش، نمونه‌های قرآن می‌باشند؛ بلکه ایشان خود، قرآن ناطق در میان مردم هستند.

**آیا نیاز ما به امامت منتفی شده است؟**

پس از آنکه رسول اکرم و ائمه اطهار به تکلیف خود عمل کردند. و امانت رسالت و امامت را تحمل نمودند و یکی پس از دیگری به سوی پروردگارشان شتافتند؛ حال آیا نیاز به امامتی که عدل را استقرار می‌بخشد و از کرامتها پاسداری می‌نماید و ظلم را نابود می‌سازد، منتفی شده است؛ یا اینکه بشریت به اوج درجه‌ی عقلی و فکری که ائمه از آن برخوردار بودند، رسیده است و دیگر نیازی به امامت ندارد، و یا این که به طور کلی نیاز به عدالت پایان یافته است؟

آنچه تاریخ به آن گواهی می‌دهد، این است که همیشه بشریت به کسی نیاز داشته که زمام زندگی انسانها را به دست گیرد. حال اگر این نیاز با گذشت زمان پایان می‌یافت، دیگر نیازی نبود که از خلقت تا روز قیامت، بیش از یک پیامبر برای بشریت برانگیخته گردد.

**آثار وجود امام مهدی (عج)**

وجود امام زمان (عج) آثار بزرگ و گوناگونی دارد که ما بسیاری از آنها را نمی‌دانیم، ولی شاید از بزرگترین این آثار ولایت فقیهان بر مردم و اطاعت از ایشان باشد، که این اطاعت به خاطر شخص و ذات ایشان نیست بلکه از این جهت است که فقها و مراجع امت نمایندگان امام زمان می‌باشند، پس ولایت فقها بر مردم، شعاعی است از تابش ولایت انبیاء و نوری است از انوار ایشان علی. پس بیاییم و از گذر برخی نکات به این نور دست یابیم. از

مهمترین این نکته‌ها، استقامت و پایداری در راه خدا می‌باشد. هرگز نمی‌توان به این استقامت دست یافت، مگر از گذر پیروی و موالات این فقها و مراجع که نمایانگر خط ولایت امامان و پیامبران و فرستادگان خدا می‌باشد. با این حال بسیاری از مردم در گمراهی به سر می‌برند و به خاطر نادانی، از ایشان پیروی نمی‌کنند و از مذهب راستین روی بر می‌گردانند. این امر شگفت‌انگیزی نمی‌باشد. زیرا اگر در آیات قرآن کریم بنگریم، خواهیم یافت که به صراحت می‌فرماید: «وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ» (و بیشتر مردم، هر چند اصرار داشته باشی، ایمان نمی‌آورند...)

همچنین می‌فرماید: «وَأَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ» اما بیشترشان از حق کراهت دارند و گریزانند. بنابراین ایمان نیاوردن مردم به حق تعالی، به معنای منتفی شدن وجود الهی و صحت الحاد نیست. همچنین عدم پیروی مردم از حق بدین معنی نمی‌باشد که حق مردود است؛ زیرا، انسان در ژرفای ضمیر خویش میل به سوی حق دارد، ولی در هنگام رویارویی با منافع ذاتی، از آن کراهت دارد و گریزان است.

هنگامیکه عملاً به جستجوی راز بقای دین و علاقه ما به خط فکری درست و راه راست در زندگی و نیز شناخت درست خداوند متعال - شناختی که نهی از هر گونه شائبه باشد. می‌پردازیم، می‌بینیم که خط علما دهمان خطی است که خداوند متعال به ما بخشیده است؛ زیرا، ایشان نشانه‌های دین را به من آموخته‌اند و هدایت‌های ائمه و بصیرت‌های ایشان را که بر گرفته از بصیرت‌های قرآن و هدایت خدا می‌باشد، برای ما نقل نموده‌اند. بنابراین کسانی که از خط علمای راستین فاصله می‌گیرند، خواه این فاصله به طور گروهی یا فردی باشد، در گمراهی بزرگی خواهند افتاد.

### غیبت صغری

حضرت موسی بن عمران مدتی را در غیبت صغری به سر برده است؛ زیرا هنگامیکه دیده به جهان گشود، خداوند به مادرش امر نمود که او را در صندوقچه‌ای قرار دهد و آن را به دریا بسپارد. حضرت مهدی (عج) نیز چنین غیبتی را دارا می‌باشد. زیرا، از همان لحظه اول که دیده به جهان گشود، از نظرها جز محبین خاصش پنهان گشت.

### وظیفه ما در دوران غیبت

پرسش مهمی که در اینجا پیش می‌آید آن است که: وظیفه ما، که در دوران غیبت زندگی می‌نماییم، چیست؟



بر ما که در دوران غیبت به سر می‌بریم واجب است که شعله امید الهی را باقی نگه داریم تا در دل‌هایمان استمرار یابد؛ زیرا طاغوتیان تلاش می‌کنند که امید و آرزو را از ما بربایند و ناامیدی را چون خوره به دل‌هایمان بیاندازند و پی در پی ضربات دردآوری را بر ما وارد سازند... این همان هدف طاغوتیان است. اما هنگامیکه ما می‌دانیم خداوند متعال، امید و رهایی را برای ما ذخیره نموده است، بنابراین در خواهیم یافت که، پایان این مسیر خوشبختی انسان خواهد بود و اینکه سرانجام از آن پرهیزکاران است و این مسیر، علی‌رغم سختیها و مشقت‌هایی که آن را در بر می‌گیرد، و فداکاری‌هایی که طلب می‌نماید، سرانجام به پیروزی حتمی ختم خواهد یافت.

طاغوتیان زمین، توانسته‌اند بر بشریت چیره گردند، ولی هنوز نتوانسته‌اند به امنیت و استقرار دست یابند. زیرا، ملت‌ها در برابر آنها ایستادگی و مقاومت نموده‌اند و هم اکنون به صورت خطری راستین در آمده‌اند که مصالح این طاغوتیان را تهدید می‌نماید و خواب را از چشمان آنها می‌رباید. ما باید این ایستادگی و مقاومت را تداوم ببخشیم، تا بواسطه آن، بتوانیم مفهوم راستین انتظار را - که به معنای زمینه‌سازی مناسب برای ظهور امام مهدی (عج) می‌باشد - تجسم ببخشیم.



۹. بهترین عبادتها..... است.

۱-انتظار فرج      ۲- جهاد در راه حق      ۳- امر به معروف ونهی از منکر      ۴- ایمان به غیب

۱۰. این سخن ((و تو از بصیرت خلق پنهان نیستی جز آنکه آمال و آرزوهایی که به غیر تو دارند، حجاب آنها از دیدن جمالت گردیده

است)) از کیست؟

۱ - امام رضا (ع)      ۲-امام حسن عسگری (ع)      ۳- امام موسی کاظم (ع)      ۴-امام زین العابدین (ع)